



سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور



جمهوری اسلامی ایران
وزارت کار و امور اجتماعی

بازنگری سیستم آموزشی در جمهوری عربی یمن

Educational System of Yemen Arab Republic

تهیه و تدوین: روابط بین الملل سازمان

بسمه تعالی

بازنگری سیستم آموزشی

جمهوری عربی یمن

تا سال ۱۹۷۰ یمن یکی از منزوی ترین کشورها در دنیا بود. این کشور که از فقیرترین کشورهای دنیا بود، در آن زمان از توسعه و پیشرفت بسیار کمی برخوردار بود. برای نمونه تا سال ۱۹۶۰ در این کشور هیچ جاده، کارخانه، صنایع صادراتی و حتی یک پزشک با ملیت یمنی در آنجا وجود نداشت. این بخش وسیع از بخش آموزش محدود در یمن، به قبل از آن زمان حکایت دارد.

تا قبل از سال ۱۹۶۰ میلادی، نظام آموزشی این کشور محدود به آموزش های مذهبی بود که توسط علماء اسلامی در یکی از بسیار مراکز محلی " Kuttab " (مکتب های درجوار مسجد) فراهم بود. این اماکن (Kuttab) در تمام شهرها، شهرهای اصلی و حتی کوچکترین شهرها نیز وجود داشت. هدف اصلی از آموزش مذهبی، یاد دادن کتاب مقدس اسلامی " قرآن " به دانش آموزان (که فقط و فقط شامل پسران می شد) بود. اکثر مردم، کار مهم و بسیار عظیم حفظ قرآن را که مدت ۹ سال طول می کشید با کمال میل می پذیرفتند. آموزش های مذهبی شامل یادگیری روایات و احادیث حضرت محمد (ص) و خواندن مباحثه های علمای پیشین در زمینه فلسفه و حکمت اسلامی بود. این شکل از آموزش فقط منحصر به ۵ درصد از مردم جوان جامعه می شد، یعنی حدود ۱۰ درصد از مردان می توانستند در این کلاسها شرکت کنند. شرکت کنندگان در این کلاس ها اغلب از نخبگان جامعه و یا خانواده های ثروتمند بودند که اکثر پدران آنها، مقامات ارشد مذهبی، تاجران ثروتمند و یا کسانی بودند که پست های حکومتی داشتند.

در این زمان تعدادی مدرسه غیر مذهبی ایجاد شد. امام یحیی کسی بود که در سال های (۱۹۴۸-۱۹۱۹) تعدادی مدرسه کوچک با اهداف خاص و مشخص ایجاد کرد. یک مدرسه برای فرزندان بی سرپرست، که نوعاً دانش آموزان را برای مهارت های دفتری و اداری تربیت می نمود، یک مدرسه علمی که بر خلاف نامش هدفش تربیت اشخاص برای سیستم قضایی بوده است، یک کالج برای معلمان و یک مدرسه نظامی از این دسته بودند. علی رغم این موضوع تعداد مدارس غیر دینی همچنان کم باقی ماند. در این زمان تعدادی از زمین داران ثروتمند، مدارس جدیدی بوجود آوردند.

احمد نومان اولین کسی بود که این نوع مدرسه را تاسیس کرد، مدرسه غیردینی که در سال ۱۹۳۰ پس از مدارس آموزش های مذهبی رسمی بوجود آمد. مدرسه نومان تا به این تاریخ مدرسه ای است که نزدیکترین آموزش ها به آموزش غیر دینی درست و واقعی در آن تدریس می شود و در آن درس هایی از قبیل ریاضی، جغرافیا و فیزیک در آنجا تدریس می شود.

نومان دریافت که در میان مردم سنتی یمن، هیچ جایگاه و محبوبیتی ندارد. چرا که آنها مدرسه نومان را یک مدرسه غیر اسلامی و ضد ارزش با پیشرفت اخلاقی جوانان می دانستند. لذا امام یحیی یک معلم مذهبی سنتی نزد او فرستاد تا وی را راهنمایی و هدایت کند. سرانجام وی در سال ۱۹۳۷ تسلیم شد و به مصر رفت.

تجربه نومان عوامل فرهنگی که مانع از آموزش های غیر دینی در جمهوری عربی یمن در زمان حکومت امام یحیی بود را به خوبی برجسته کرد. دانش اسلامی (به عنوان زبانشناسی مصداق و مهارت های خطاطی و خوشنویسی) به بهای سایر علوم ارزشمند بود. علاوه بر این امام یحیی با استفاده از انزوا و گوشه گیری به عنوان یک استراتژی سیاسی، احساس می کرد گوشه گیری و منزوی بودن قانون، وی را حمایت می کند و گروه های قبیله ای جداگانه را پیش از یکدیگر نزدیک می سازد. آن قانون ناموفق بود. در سال ۱۹۴۸ اعضای یک گروه مخالف، وی را ترور کردند. اما با این حال پسر وی - احمد - ادعای سلطنت کرد.

در زمان حکومت امام احمد (۱۹۶۲-۱۹۴۸) تغییرات بسیار کمی در سیستم آموزشی لحاظ گردید. وی گام های بسیار اساسی برای ورود یمن به عرصه جهانی برداشت. امام احمد همچنین سیستم آموزشی نوینی را نیز معرفی کرد. در پایان حکومت وی، احمد سیستم مدرسه غیر دینی را رسماً معرفی کرد. اما با این حال از تاسیس این گونه مدارس استقبال خوبی نشد. این مدارس براساس ۶ سال دوران ابتدایی و سپس ۳ سال دوره راهنمایی تأسیس شدند و نوعاً سنین بین ۶ تا ۱۵ سال را شامل می شد و هنوز مردان از این مدارس حق استفاده دارند.

در طول این زمان بسیاری از یمنی ها بدنبال آموزش های غیر دینی بودند که سایر کشورها از آن استفاده می کردند. در زمان حکومت احمد، تعداد کسانی که برای تحصیلات راهنمایی یا آموزش عالی به مصر، لبنان یا اروپا می رفتند، بسیار رو به افزایش بود. در سال ۱۹۶۲ پس از سرنگونی حکومت احمد، یک حکومت نظامی با دید غیردینی و غیرمذهبی حکومت را در دست گرفت و تغییرات بسیار چشمگیری را در کشور بوجود آورد و سیستم آموزش رسمی کشور را غیردینی اعلام کرد.

مصر با حضور در این کشور و داشتن مشاوران و نیروهای نظامی در آنجا در مدت زمان بیشتری که کشور درگیر نبردهای داخلی بین جمهوری خواهان و سلطنت طلبان بود که در سالهای ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۰ اتفاق افتاد، تمهیدات و کمکهای قابل ملاحظه ای ارائه کرد. در این مدت بیش از ۵۰ مدرسه از جمله **مدارس فنی و حرفه ای** نیز تأسیس شد. برای اولین بار در این کشور به صورت رسمی عنوان های جدیدی از قبیل ریاضیات، زبان انگلیسی و علوم اجتماعی و طبیعی تدریس شد. همچنین برای اولین بار در شهرهای صنعا، تاییز و البیضاء مدارس دخترانه تأسیس شدند. در این زمان با همکاری مربیان مصری کالجی برای مخابرات رادیویی و کالجی برای هوانوردی و هواپیمایی نیز بوجود آمد.

دوران بعد از انقلاب سال ۱۹۶۰، دوران آگاهی و باخبری آموزشی و عقلانی و روشنفکرانه بیشتری ایجاد کرد که در نتیجه منتهی به افزایش گفتمان عمومی گردید. کتابخانه ها ایجاد شدند و همگام با رشد آموزش همگانی توسعه یافتند. فعالان سیاسی نیز شکل گرفتند و مذاکرات و جلسات بحث و گفتگو نیز برگزار می شدند و اطلاعات و تئوری در مورد عناوینی مثل علوم سیاسی، ادبیات، مذهبی تغییر کرد و حتی نقش زنان در جامعه نیز تغییر کرد.

در سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ آموزش های غیرمذهبی و غیر دینی بطور چشمگیری رواج پیدا کرد و دستیافتنی تر گردید.

در سال ۱۹۶۳ پس از حکم و فرمان دولت نظامی برای اهمیت بر سیستم مدارس همگانی، وزارت آموزش بوجود آمد. در طول دوره جمهوری (سالهای ۱۹۹۰-۱۹۶۲)، مدارس مذهبی همچنان به کار خود ادامه می دادند و مدارس خصوصی بسیار کمی نیز تأسیس شد. سیستم آموزش مدارس شامل ۶ سال مقطع ابتدایی، سه سال مقطع مقدماتی و سه سال دبیرستان بود که به دنبال آنها تحصیلات عالی در دانشگاه یا خارج از کشور صورت می گرفت. آموزش در مقطع ابتدایی شامل آموزش مهارت های پایه، آموزش در مقطع مقدماتی بر مهارت های کاربردی و فنی و آموزش در دوره متوسطه یکی از ۵ مورد: کلی (هنر و علوم)، فنی، تجاری، کشاورزی و تربیت معلم بود. این سیستم آموزشی بسیار فقیر بود و از لحاظ مالی بشدت وابسته به کمک های خارجی بود. فقط ۶ تا ۸ درصد از بودجه سالانه کشور صرف آموزش می شد. اما در مقایسه با سال های قبل در نظام آموزشی پیشرفت و توسعه چشمگیری صورت گرفته بود. لازم به ذکر است که در این زمان آمار بچه هایی که باید مدرسه می رفتند از ۱۲ درصد در سال ۱۹۷۱ به ۵۰ درصد در سال ۱۹۸۱ رسید. علی رغم این موضوع، تعداد دختران حاضر در مدرسه رشد چشمگیری نداشته و همچنان بین ۱۰-۱۵ درصد باقی ماند.

در سال ۱۹۸۰ بیش از ۸۰ درصد مردم این کشور بیسواد بودند. حال آنکه بیش از ۹۰ درصد زنان نیز بیسواد بودند. اوایل سال ۱۹۹۰ هنوز نرخ بیسوادی بالا بود، اما وضعیت هم برای مردان و هم برای زنان بهتر شده بود. از طرفی نرخ انتقالی برای کسانی که دوره ابتدایی را به پایان رسانیده بودند، بسیار بالا بود. به عبارت دیگر در مقطع ابتدایی ۸۵ درصد به سطح مقدماتی، ۱۰۰ درصد از سطح مقدماتی به دوره متوسطه و ۷۸ درصد از مقطع دبیرستان وارد آموزش عالی می شدند.

اولین و مهمترین گام در توسعه و پیشرفت نظام آموزش عالی یمن، ایجاد دانشگاه صنعا در سال ۱۹۷۰ بود که همچنان به عنوان تنها دانشگاه جمهوری عربی یمن تا زمان جمهوری یمن در سال ۱۹۹۰ باقی مانده است. این دانشگاه با کمک ها و مساعدت های دولت کویت تأسیس شد. این دانشگاه که در ابتدا بسیار کوچک بود، ۶۱ دانشجو و ۱۵ استاد داشت که در سه دانشکده قانون، علوم و هنر حضور داشتند. ریاست دانشگاه بر عهده وزیر آموزش بود.

دراواخر دهه ۱۹۷۰ دانشکده های اقتصاد و آموزش نیز به دانشکده های قبلی اضافه شدند. لازم به ذکر است که اواخر سال ۱۹۸۰ تعداد دانشجویان به بیش از ۵۰۰۰ نفر رسید. دولت همچنین شرایطی فراهم کرد تا دانشجویان علاقمند بتوانند در خارج از کشور در رشته هایی تحصیل کنند که در دانشگاه صنعا در داخل کشور موجود نباشد.

در سال ۱۹۳۰ در حدود ۱۰۰۰ دانش آموز در مدارس دولتی و ۲۰۰۰ دانش آموز یا کمتر در مراکز خصوصی به تحصیل می پرداختند. در این هنگام مهمترین و اصلی ترین انتقاد کلیدی ملی گرایان سپردن آموزش بدست خارجیان مخصوصاً مریبانی بود که از هند آمده بودند. با توجه به این مسائل یکی از مشهورترین ملی گرایان فریاد زد: «پس معلمین عرب کجا هستند؟»

پس از جنگ جهانی دوم در سیستم آموزشی این کشور تغییرات بسیار کمی لحاظ گردید. در این هنگام جمعیت یمن افزایش پیدا کرد و تعداد خارجیانی که به این کشور مهاجرت کردند نیز افزایش یافت. سیستم آموزشی دولتی ساختاری ایجاد شد. اما ذی نفعان اصلی آن، کسانی بودند که در مقطع دبیرستان، دانشگاه و یا کسانی بودند که به آموزش زبان انگلیسی دسترسی داشته باشند که برای نخبگان محلی Adeni امری لازم و ضروری بود.

در سال ۱۹۴۳ شورای انگلیسی (British Council) دروس انگلیسی خاصی برای مردان و زنان معرفی کرد. برای نخبگان جوان بهترین دانشگاه انگلستان آماده بود تا آنها به آنجا وارد و تحصیل کنند. در سال های ۱۹۵۰ تا اوایل ۱۹۶۰، سطح آمادگی سیاسی و فعالیت فکری مردم رشد پیدا کرد. در میان نخبگان فرهنگی علاقمند، کانون هایی شکل گرفت که بسیاری از آنها نه تنها تحت عنوان گروه های شهری به مردم خدمت می کردند، بلکه استفاده از زبان عربی در زندگی روزمره و سیستم آموزش را نیز بهبود بخشیدند.

با اعلام استقلال در سال ۱۹۶۷ در شرایطی سخت و حاد در یمن جنوبی وابستگی به معلمان خارجی زیر نظر انگلیسی ها از بین رفت. در این زمان آموزش به طور چشمگیری گسترش پیدا کرد. بلافاصله پس از خروج انگلیسی ها از کشور، سیستم آموزش PDRY رواج یافت. سیستم ملی عربی گردید. سیستم ۳-۳-۶ سیستمی بود که بی شباهت با ساختار اصلی جمهوری عربی یمن یا سایر کشورهای عربی نبود. در سال ۱۹۷۵ این ساختار به سیستم ۴-۸-۲ تغییر کرد. ۲ سال دوران پیش دبستانی، ۸ سال دوران تحصیلات پایه (ابتدایی و مقدماتی یا مقطعی از دبیرستان پایین تر) و ۴ سال دبیرستان می باشد.

در حقیقت مقطع دبیرستان کاملاً تغییر پذیر بود. دانش آموزان می توانستند ۲ سال آموزش حرفه ای را انتخاب کنند یا یک دوره متوسط ۵ ساله مخصوص را انتخاب کنند. به هر حال آموزش اجباری نبود. در سال ۱۹۷۰ حضور دختران در نظام آموزشی بین ۲۰ تا ۲۵ درصد بود که این میزان در سال ۱۹۸۰ به ۳۵ تا ۴۰ درصد رسید. سیستم آموزش در تمام سطوح و برای همه کاملاً رایگان بود.

کتاب و حمل و نقل دانش آموزان نیز رایگان بود. در نواحی روستایی که مدرسه وجود نداشت به دانش آموزان بورسیه تعلق می گرفت. در ضمن به دانشجویان مراکز عالی ماهانه برابر نیمی از یک حقوق متوسط، کمک هزینه پرداخت می شد.

در سال ۱۹۷۵ دانشگاه آدن (Aden) با شش دانشکده کشاورزی، قانون، اقتصاد، فناوری، پزشکی و آموزش تأسیس شد. در آن زمان برخی از دانشجویان در خارج از کشور تحصیل می کردند که اکثر آنها در اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای اروپای شرقی و در سایر کشورهای عربی تحصیل می کردند.

آموزش در سطوح بالاتر دیگری از طریق مؤسسات تربیت معلم فراهم می شد که مکمل تربیت معلم در دانشگاه آدن بود. فارغ التحصیلان این مؤسسه آموزشی می توانستند بلافاصله پس از فارغ التحصیلی در مقطع پایین تر (مدارس ابتدایی) تدریس کنند. وزارت آموزش نیز آموزش هایی را فراهم می کرد که در هر دو مورد بالا تجربه و کار عملی نیز در برنامه درسی گنجانده شود.

بیسوادی بزرگسالان نیز یکی از مشکلات سیستم PDRY بود که در جمهوری عربی یمن نیز وجود داشت. در سال ۱۹۸۵ پس از ۶ ماه دوره تحصیلی یک تعطیلی سه ماهه تابستانی وجود داشت که همه می توانستند این شانس را داشته باشند تا به آموزش زبان و ادبیات بپردازند و همچنین به فراگیری آموزش های پایه در زمینه های دیگر از قبیل ریاضیات بپردازند.

اتحاد (۱۹۹۰) و جمهوری یمن

با وجود تفاوت های فاحش در PDRY, YAR که از نظر ایدئولوژیکی، اجرایی و اداری با یکدیگر کاملاً متفاوت بودند - یکی قبیله ای و سنتی و دیگری کاملاً مارکسیست - سرانجام در سال ۱۹۹۰، PDRY و YAR یکی شدند. پس از اتحاد این دو، وارد شدن سیستم آموزشی آنها به یکدیگر کار پیچیده ای نبود. متأسفانه هر دو کشور از سیستم آموزشی بسیار سطح پایین برخوردار بودند و از مشکلات یکسان و مشابهی در بهبود بخشیدن به سیستم آموزشی اشان رنج می بردند. این مشکلات شامل کمبود منابع مالی و پایین بودن سطح مهارت آموزشی معلمان بود. پس از اتحاد PDRY و YAR تغییرات اساسی در سیستم آموزشی حاصل آمد.

این تغییرات شامل استاندارد کردن کتاب ها، متون و برنامه درسی و تغییرات ساختاری در مقاطع تحصیلی بود. سیستم جدید آموزشی شامل ۹ سال آموزش پایه و سپس ۳ سال آموزش در مقطع متوسطه بود. به دلیل وجود چالش های آن زمان از جمله انزوای بین المللی، انجام و اعمال این تغییرات کاری بسیار مشکل بود.

در زمان بحران های خلیج فارس و جنگ خلیج فارس در سالهای ۹۱-۱۹۹۰ سیستم آموزشی توافق

شده در یمن (پس از اتحاد در سال ۱۹۹۰) شامل ۹ سال آموزش در مقطع ابتدایی و بدنبال آن ۳ سال تحصیل در مقطع متوسطه بود . سن ورود به سیستم آموزشی ۶ سال بود که دوران ابتدایی از ۶ سالگی شروع و در ۱۴ سالگی به پایان می رسید. ورود به مقطع دبیرستان سن ۱۵ سالگی و پایان دبیرستان در ۱۷ سالگی می باشد. تحصیلات در مقطع ابتدایی اجباری بود. در ضمن برای مردان و در نواحی روستایی، سپری کردن این دوره کار بسیار مشکلی بود و هنوز نیز بصورت یک معضل باقی مانده است. البته در حال حاضر هم تعداد زیادی از دانش آموزان هنوز مقطع ابتدایی را تمام نکرده اند.

در این زمان، مدارس مذهبی هنوز از اهمیت خاصی برخوردار بودند .امادر شمال یمن (YAR سابق) و در نواحی شهری تعداد مدارس غیر دینی خصوصی روز به روز رو به افزایش بود. در سال های اخیر آموزش عالی رشد بسیار چشمگیری کرده است . به طوری که از زمان اتحاد تا کنون تعداد دانشگاه ها به ۷ دانشگاه دولتی و ۸ دانشگاه خصوصی رسیده است.

سال تحصیلی از سپتامبر شروع و در ژوئن به پایان می رسد که دانش آموزان پس از پایان این مدت یک تعطیلی سه ماهه در پیش رو دارند. البته در طول سال تعطیلی هایی برای اعیاد اسلامی و روزهای غیر دینی نیز وجود دارد.

زبان آموزشی در مقطع ابتدایی و متوسطه زبان عربی می باشد . زبان گفتاری و محاوره ای دانش آموزان زبان عربی یمنی می باشد. لازم به ذکر است که زبان آموزشی آنها، بیشتر زبان عربی استاندارد نوین رسمی است. زبان انگلیسی، زبان آموزشی در بعضی رشته های فنی در دانشگاه می باشد. در ضمن بیشتر متون مربوطه و روزنامه ها به زبان انگلیسی اند. این زبان (انگلیسی) در رشته هایی از قبیل علوم پزشکی و علوم طبیعی کاربرد دارد و همچنین به عنوان رایج ترین زبان دومی است که دانشجویان به فراگیری آن می پردازند.

آمار ثبت شده در یمن بیانگر این حقیقت است که دستیابی به آموزش همچنان به عنوان یک مشکل به خصوص برای مردان باقی مانده است. در سال ۱۹۹۶ آمار ثبت شده برای هم مردان و هم زنان شامل ۷۰ درصد مقطع ابتدایی ، ۳۴ درصد در مقطع متوسطه و ۴ درصد در سطح آموزش عالی می باشد.

نمودار جنسیتی زیر به شرح دقیق این موضوع می پردازد:

مقطع تحصیلی	مردان (درصد)	زنان (درصد)
ابتدایی	۱۰۰	۴۰
متوسطه	۵۳	۱۴
عالی	۷	۱

البته این آمار (برای زنان) در مناطق مختلف به طور چشمگیری متفاوت می باشد . برای مثال در مناطق شهری و در مقطع ابتدایی این آمار بالای ۵۰ درصد است.

در حال حاضر وزیر آموزش توسط نخست وزیر انتخاب می شود که با اخذ آراء نمایندگان در خانه نمایندگان به این سمت منصوب می شود. با در دست گرفتن وزارت آموزش، وزیر مسئولیت اجرای سیاست ها و ابتکارات دولت برای امر آموزش خواهد شد.

در سال های اخیر نقش و تأثیر مؤثر وزیر آموزش کم رنگ شده است. طبق توافقی که دولت یمن با صندوق پول جهانی به عمل آورده است (۲۰۰۱-۱۹۹۹) محدود کردن نقش وزیر و در عوض جایگزین کردن و واگذار کردن بخش اعظم آموزش کشور یمن به بخش خصوصی است. دولت موظف به کاهش هزینه های اداری و اجرایی آموزش و افزایش سطح دستیابی دانش آموزان نواحی روستایی و زنان به آموزش و کاهش تعداد معلمان خارجی بسیار پر هزینه گردید. با اعمال این تغییرات توسط دولت یمن ، احتمالاً آموزش های متوسطه و بالاتر به بخش قوی و بزرگتر خصوصی واگذار خواهد شد. در ضمن تعداد مدارس و تعداد دانش آموزان خصوصی غیر دینی رو به افزایش است.

همچنین گفته می شود که وزارت خانه جایگاه نظارتی کلان خود را در رابطه با کیفیت آموزشی ، اعتبارات آن و جهت گیری استراتژیکی و سیاست کاری آن حفظ نموده و در عین حال با تمرکز زدایی از مدیریت های اداری روزمره آنان را به استان ها و مناطق محول ساخته و در برخی موارد خاص نیز مسئولیت این کار را ه مدارس منتقل نموده و به آنان استقلال نسبی داده است.

پایان